



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

تبیین جایگاه اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه

سجاد سالارنیک^۱، مجتبی ابراهیمی^۲، احمد آرخ^۳

۱. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری زاهدان

Email: sajjadsalarnik@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری زاهدان

Email: mojtaba.ebrahimi0885@gmail.com

۳. مدرس دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان

Email: a.arakh1367@gmail.com

چکیده

توسعه هرچه بهتر روابط صحیح اجتماعی افراد یک جامعه، بستگی به تدوین و ارائه تربیت اجتماعی برپایه فرهنگ، عقاید، اهداف و سیاست های تربیتی آن جامعه دارد. از آنجا که فرهنگ جامعه ما فرهنگی اسلامی است، بر پیروان این مکتب، خصوصاً اولیای تعلیم و تربیت جامعه لازم است در مرحله اول به تبیین و تشریح قواعد موجود در تربیت اجتماعی مطلوب و منطبق بر موازین اسلامی اقدام کنند. این مقاله برای وصول به این مقصود نخست به ارائه تعریف تربیت اجتماعی براساس سخنان حضرت علی (ع) پرداخته، آنگاه اصول تربیت اجتماعی را بر مبنای نهج البلاغه استخراج و تبیین خواهد نمود. تحقیق حاضر، از نوع تحقیقات کاربردی است در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از تحلیل محتوا استفاده شده است. این روش، در پی برجسته سازی محورهای یک موضوع یا یک متن با هدف تحلیل، توصیف و ارائه موقعیت ها می باشد.

کلمات کلیدی: اصول، تربیت اجتماعی، نهج البلاغه، امام علی (ع)



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

مقدمه

بررسی و تبیین اصول تربیت اجتماعی موجود در نهج البلاغه یکی از اساسی ترین اقدامات در عرصه تربیت اجتماعی کشورمان ایران و یکی از اهداف و اصول مهم حاکم بر نظام آموزشی کشور، بلکه نظام های آموزشی علاقه مند به معارف غنی دین اسلام به حساب می آید. « تربیت اجتماعی هم یکی از اهداف تربیت و هم یکی از اصول مهم حاکم بر آموزش و پرورش به حساب می آید » (عسکریان، ۱۳۶۸، ص ۸۲) آموزش و پرورش به عنوان بخشی از علوم انسانی، از حوزه های مختلف معرفت برای رسیدن به اهداف خود بهره می گیرد و در تعیین ایده آل ها و اهداف خود، از فلسفه و دین بیشترین تأثیر را می پذیرد. از طرفی نبود تربیت اجتماعی مناسب در یک جامعه منجر به معضلات فراوانی برای افراد آن جامعه خواهد شد، لذا بر عهده گرفتن امر تربیت اجتماعی از جمله وظایف مسئولین تربیتی، بلکه وظیفه حاکمان آن جامعه می باشد. حضرت علی (ع) در همین رابطه می فرماید: « حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نکنم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، و شما را آموزش دهم تا نادان ننمایید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید » (نهج البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۶۰).

با توجه به نکات فوق و این نکته که امر تربیت، تنها جنبه فردی ندارد بلکه عواملی چون روابط اجتماعی، فرهنگ، ارزش ها، دین، مهارت و عادات افراد یک جامعه به عنوان مانع و مقتضی در امر تربیت دخالت دارند و با توجه به این که تربیت اجتماعی مورد نظر حضرت علی (ع) به معنی آن دسته از آموزه های دینی و الهی است که موجب اصلاح رابطه انسان با دیگران می شود و صرفاً به معنی تطبیق با خواسته های جامعه نیست، لذا لازم است قبل از هر اقدامی به بررسی و تبیین اصول تربیت اجتماعی با توجه به عوامل فوق از جمله عامل دین مبین اسلام اقدام شود، تا در سایه آن بتوان به جهت دهی رفتارها و مهارت ها و دانش ها و ارزش های الهی در متریان الهی در افراد جامعه پرداخت و آنها را به بندگی در مقابل خدا و تنظیم روابط اجتماعی مبین بر معیارهای اسلامی کشاند تا افراد هرچه بهتر و بیشتر به ادای مسئولیت هایشان برای کسب رضایت خلق و خدا دست بزنند. در این مقاله به ارائه چهار مبنا و چهار اصل پرداخته شده است. براساس مبنای کرامت و اصل عزت، می کوشیم در امور تربیتی تا حد ممکن کرامت مرتبی را حفظ نماییم و توان صیانت از شرف و بزرگواری مرتبی را تقویت کنیم. در مبنای تأثیرگذاری انسان، تأثیرگذاری ها را جهت می دهیم و به کمک اصل مسئولیت، وظیفه شناسی و ادای مسئولیتها را به مرتبی می آموزیم. در مبنای تأثیرپذیری انسان از شرایط، مراقبت های لازم و بموقعی را از شرایط تأثیرگذار به عمل می آوریم و طبق اصل اصلاح شرایط و روابط انسانی، تأثیرگذاری ها را کنترل می کنیم. در مبنای حسن از ویژگی ذاتی گرایش به خوبی ها و نیکی ها در انسان بهره برده و طبق اصل آراستگی صورت ارائه مطالب تربیتی را آراسته می کنیم تا رغبت و تمایل بیشتر متریبان را برانگیزیم، خصوصاً در مسائل اجتماعی که عامه مردم بایستی به آن گردن نهاده و عمل کنند

انسان اجتماعی زندگی می کند، پس نیاز به تربیت اجتماعی مناسب برای آشنایی با مسئولیتها و وظایف اجتماعی ش دارد. علیرغم بروز انقلاب اسلامی و مطرح شدن آن به عنوان قطب عالم اسلام، شاهد عدم وجود مبنای تربیت اجتماعی مناسب می باشیم. به علاوه توسعه ابعاد مختلف اقتصادی - فرهنگی، سیاسی - اجتماعی کشور و زمینسازی برای تشکیل حکومت عدل حضرت مهدی (ع) وابسته به تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی اسلامی می باشد؛ لذا این مقاله را در دو بعد نظری و عملی ارائه میکنیم که بخش اهداف نظری آن در پی استخراج، تنظیم و تدوین مبانی و اصول تربیت اجتماعی براساس سخنان حضرت علی (ع) به ویژه در نهج البلاغه می باشد. اهداف کاربردی تحقیق، شامل پاسخگویی به سؤالات پژوهشگران و علاقه مندان در مورد تربیت اجتماعی و فراهم سازی بستر مناسب برای پژوهش های تطبیقی و کاربردی، و فراهم سازی بستر نظری مناسب برای مراکز تعلیم و تربیت جامعه اسلامی است.

سوالات تحقیق

۱. مفهوم تربیت چیست؟
۲. مفهوم تربیت اجتماعی در علوم اجتماعی و نهج البلاغه چیست؟
۳. اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه چیست؟



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

یافته های تحقیق

۱. مفهوم تربیت

مشاهده لغت نامه های معتبر نشان می دهد که لغت تربیت را از ریشه ر دانسته اند و برای هر کدام از ریشه ها، معانی خاصی آورده اند مؤلفان کتاب آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت مینویسند: «واژه تربیت به معنی افزودن، پروراندن و برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک می باشد. از ریشه رَبّ، یُربُّ به معنای پروریدن، سرپرستی، رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و تکامل رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن و به اعتدال رسانیدن می باشد و اگر منظور از تربیت، انسان باشد یعنی فرهیختن انسان» (دفتر حوزه همکاری و دانشگاه، ج ۳، ۱۳۸۱، ص ۸۹).

آنچه در تربیت بشر رخ می دهد، همین مورد فراهم کردن زمینه های لازم جهت رشد دادن انسان است تا به تدریج استعدادهای انسان شکوفا شود و به فعلیت برسد.

۲. مفهوم تربیت اسلامی

تربیت اسلامی عبارتست از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، جهت ایجاد یک اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوند. از دیدگاه استاد مطهری «تربیت یعنی پرورش دادن و به فعلیت رسانیدن استعدادها و ایجاد تعاون و هماهنگی میان آن استعدادها، تا مرتبی بتواند به حد اعلای کمال خود برسد. تمامی تعاریف علمای اسلامی حول همین تعریف و با تأکید کامل بر هدف کسب قرب الهی بیان شده اند همان، ص ۹۶». «تربیت، هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکاملی بشر است، به گونه ای که به سوی (الله) جهت دهد. تربیت، احیای فطرت خدا آشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت به سوی بی نهایت است» (قائمی، ۱۳۷۸، ص ۲۷). طبق بررسی های انجام شده از نظرات علمای مسلمان معلوم می شود که تربیت اسلامی به دنبال شکوفایی تمام استعدادهای مثبت انسان هاست تا هدف تکامل و ارتقای متعادل زندگی دنیوی و اخروی انسان ها تأمین شود و بشر به قرب الهی و بهره مندی از رضوان الهی نائل شود.

۳. مفهوم تربیت اجتماع از دیدگاه جامعه شناسی

لازم است قبل از بررسی مفهوم تربیت اجتماعی یادآور شویم که سه دیدگاه فردگرایان و جامعه گرایان و دیدگاه اسلام در مورد اهمیت و اولویت فرد یا جامعه، نقش اس اسی در تربیت اجتماعی و تعریف آن ایفا می کند. دیدگاه جامعه گرا، معتقد است که اجتماعی شدن به معنی همنوایی فرد با ارزش ها و هنجارها، برای هماهنگی و سازگاری با افراد دیگر جامعه است، پس هویت افراد در جامعه شکل می گیرد و بر همین اساس تربیت اجتماعی این گروه به معنای سازگار شدن افراد جامعه با معیارهای مورد نظر جامعه است، تا بتواند در فعالیت های جامعه شرکت کنند. «جامعه پذیری به معنی همسازی و همنوایی فرد با ارزشها و هنجارها و نگرش های گروهی و اجتماعی است» (علاقه بند، ۱۳۸۲، ص ۹۱). دیدگاه فردگرا معتقد است که اجتماعی بو دن انسان امری ثانوی و عارضی بر انسان است و انسان در بستر جامعه به ارضای نیازهای خود می پردازد، اما آنچه اولویت دارد فرد می باشد، لذا تربیت اجتماعی نیز به مفهوم مهیا نمودن افراد جامعه است، تا بتوانند دیگران را به صورت مفید و سنجیده کنترل کنند. «از دیدگاه فردگرایان اجتماعی شدن فراگردی است که آن فرد به کسب هویت نائل و با پذیرفتن ارزشها، هنجارها، آرمانها، و شیوه های زندگی قادر به تحقق استعدادهای بالقوه خود میشود» (همان، ۱۳۸۲، ص ۹۱).

۴. بررسی مفهوم تربیت اجتماعی در اسلام

چون بررسی مفهوم تربیت اجتماعی، وابسته به داشتن تصویری روشن از مفهوم اجتماعی بودن و فطری و یا غیرفطری بودن اجتماع انسانی است؛ لذا این نکته را یادآور میشویم که غالب دانشمندان اسلامی، انسان را فطرتاً اجتماعی دانسته و اجتماعی بودن انسان را به خاطر دلایلی چون جبر اجتماعی و یا حسابگری و یا توافق و ... نمی دانند.

دانشمندان اسلامی معتقدند که انسان در ذاتش گرایش به زیستن با جمع را در خود دارد. «هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است و این خصیصه اجتماعی، به کمک دو نیروی علم و اراده به تدریج به حد کمال می رسد» (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۵). با توجه به نکات فوق و بررسی های انجام شده در نهج البلاغه مشخص می شود که دیدگاه حضرت علی (ع) راجع به تربیت اجتماعی، دیدگاه خدا محورانه است. حضرت به تربیت



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

اجتماعیای که انسان را به اصلاح رابطه اش با خدا و دیگران بکشاند، معتقد است. ایشان می فرماید: «کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند، خدا امر دنیایش را اصلاح می کند» (نهج البلاغه، حکمت، ۸۹، ۴۵۶). پس در تربیت اجتماعی مورد نظر حضرت علی(ع) ما به دنبال ملاک های صرفاً دنیایی و مورد تأیید جامعه و یا دولتمردان یک کشور نیستیم، بلکه آنچه ملاک تأیید ارزشها در تربیت اجتماعی است، ملاک حق می باشد. «درواقع آنچه در تربیت مطرح است، تکیه بر ارزش هایی است که ضوابط مذهبی آن را تأیید می کند و طبعاً بقیه ارزش ها اگرچه جنبه ملی هم داشته باشند مردودند» (قائمی، پیشین، ص ۲۵۴).

۶. مفهوم اصول تربیت اجتماعی

اصل، همان قواعد یا نظریات پایه و اساسی ای است که هر کاری با تکیه و توجه به آن اصول موجود انجام می شود. توجه به این نکته ضروری است که اصول بنیادی و کاربردی دارای تعریفی متفاوت می باشند. اصول در معنای بنیادی، نظریاتی است که از حیات انسان استخراج میشود. «اصول عبارت است از تکیهگاه های نظری که از عوامل موجود در حیات استخراج شده است و هم آن را به عنوان ملاک عمل باید در نظر گرفت» (هوشیار، ۱۳۳۱، ص ۵۶). «اصول تعلیم و تربیت، ابزاری است برای مریبان که با استفاده از آن می توانند به موقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به نحو رضایتبخشی انجام دهند» (شکوهی، ۱۳۶۷، ص ۲۷). اصول تربیت اجتماعی مورد بحث در نهج البلاغه ریشه ای وحی گونه دارد و ساخته فکر بشر و قواعد بشری نیست. پس اصول تربیت اجتماعی مورد نظر در این تحقیق، گزاره های تجویزی و انشایی اساسی و کلی موجود در نهج البلاغه است که جهت دهنده و منسجمکننده تدابیر و روش ها و اقدامات مورد نظر در عرصه تربیت اجتماعی است.

تبیین اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه

۱. مبنای کرامت

کرامت به معنای بزرگی و ارزشمندی وجود انسان است. «کرامت در لغت به معنای بزرگواری شدن، شرافت و حرمت داشتن می باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۶، هـ. ق، ج، ۱۲، ص ۷۶). از دیدگاه اسلام، انسان دارای خلقتی ویژه و برتر از سایر موجودات می باشد و همین امر سبب کرامت و برتری انسان شده است. خداوند بعد از خلقت آدم به خویشتنریک گفته و می فرماید: قَبْرَکَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ؛ مبارک باد بر خدایی که بهترین خلق کننده هاست «(مؤمنون، آیه ۱۴)». اما در دیدگاه تربیتی کرامت یعنی دوری جستن از عوامل ذلت و دون مایگی انسان. «کرامت یعنی پاکی و دوری از پستی و فرومایگی و برخوردار شدن از اعتلای روحی» (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۲۱). آن گونه که گفته شد، انسان ذاتاً یک موجود صاحب کرامت به حساب می آید و در تمام ابعاد تربیتی خصوصاً تربیت اجتماعی تلاش بر این است تا این ارزش و بزرگواری انسانی حفظ و صیانت شود. اما کرامت، صرفاً ذاتی نیست بلکه اکتسابی هم هست؛ یعنی انسان علاوه بر کرامت ذاتی که دارد، می تواند با برخی اعمال بر کرامت خود بیافزاید. آنچه که در این میان ملاک کسب کرامت اکتسابی است، انتخاب آگاهانه راه کمال و تقوا در زندگی است. «در این مسیر طبعاً همه انسانها دارای ارزش مطلق و یکسان نخواهند بود، بلکه اهل ایمان و عمل صالح، دارای ارزش ها و فضایل والایی هستند و به کرامت بیشتری می رسند» (فرهادیان، ۱۳۷۲، ص ۱۹۲). انسان، به سبب کرامت ذاتیش میل به کسب کمال و ترقی دارد؛ لذا خداوند متعال بستر مساعد رشد و تکامل را در وجود انسان به ودیعه گذاشته است. اما با وجود کرامت ذاتی، بر هر انسانی لازم است که خود، به کسب کرامت اکتسابی دست بزند و از فرومایگی و پستی های زندگی که سبب لطمه به کرامت انسانی است دوری گزیند. نظام تعلیم و تربیت می کوشد در همه حال کرامت انسانی متریبان را حفظ نماید و در این جهت اولی ترین کارش، آگاه کردن متریبان به ارزش ذاتی وجودشان و یاد دادن چگونگی حفظ و تقویت کرامت ذاتی و تلاش برای کسب کرامات بیشتر میب اشد. در همین راستا به فرموده حضرت علی (ع) انسانی که ارزش و کرامت خود را درک کند، هرگز با تبعیت از امیالش، خود و کرامتش را پایمال نمی کند. حضرت می فرماید: «آن کسی که خودش (نفسش) برایش ارزشمند است، امیالش برایش پست خواهد شد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹، ص ۵۲۶). حضرت علی(ع) در سخنی دیگر از کاری که سبب لطمه به کرامت خویش می شود بر حذر داشته اند، هرچند که آن کار، ما را به برخی اهداف برساند. این سخن خطابی کلی به تمام انسان ها و تمامی مسئولین یک جامعه است که برای دستیابی به اهداف، کرامت انسانی را خدشه دار نکنند. حضرت می فرماید: «نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هرچند تو را به اهداف رساند، زیرا نمی توانی به اندازه آبرویی که از دست میدی، بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش، در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است» (همان، نامه ۳۱، ص ۳۷۸).



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

حفظ و ارتقای کرامت انسانی در یک جامعه وقتی میسر است که یک نظام تربیتی کارآمد، بستر مناسبی را برای حفظ و ارتقای کرامت انسانی در جامعه و بین مردم فراهم کند. یعنی با تربیتی شایسته، رعایت احترام متقابل را به افراد آموخته و افراد را به رعایت شئون همدیگر ترغیب نماید و خود نیز عملاً کرامت انسان را حفظ نمایند. اگر چنین اتفاقی افتاد، حق میان مردم عزیز می شود و همه انسان ها از عواملی که سبب پستی و دنات می شود، دوری می گزینند.

اصل عزت

عزت در لغت به معنی صلابت و قوت و حالت شکست ناپذیری می باشد «عزت، حالتی است که نمی گذارد انسان مغلوب کسی و چیزی گردد و شکست بخورد» (دلشاد تهرانی، پیشین، ص ۳۸۳).

«عزت در مورد انسان یعنی حفظ آبرو و شخصیت و عدم کرنش در برابر صاحبان و زر زور» (عبدوس، ۱۳۷۵، ص ۱۸۷). با وجود این که اصل عزت برای خداوند است اما خداوند آن را به هر کسی که طالب عزت باشد اعطا می کند. «من کان یرید العزة فله العزة جميعاً؛ هر که عزت خواهد پس بداند که عزت همه از خدا است و به هر که خواهد می دهد» (فاطر، آیه ۱۰). خداوند خود را رب العزه دانسته است و این وصف نشانگر آن است که خداوند مالک و صاحب عزت و تدبیر بوده و عزت پرور است. طبق این بیان هر کس راه بندگی بیبماید، به عزت حقیقی رسانده می شود؛ یعنی خداوند تعالی، او را بزرگ، ارجمند و شک ستناپذیر میسازد. حضرت علی (ع) می فرماید: «خداوند - که نام او بزرگ است - یاری کند هر که او را یاری کند و عزت بخشد هر کسی که او را عزیز دارد، بر عهده گرفته است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۰۲). پس تقوا و ایمان به خداوند، معیار کسب عزت می باشد. هر چند کسب تقوا امری شخصی است؛ اما تقوا در تمام امور زندگی حتی امور اجتماعی نیز لازم می باشد، لذا در بحث تربیت اجتماعی بایستی مرتبی را به گونهای تربیت نماییم که در سایه تقوای الهی، عزت جو و حافظ عزت خود و دیگران باشد. «اگر انسان متوجه این حقیقت شود که خداوند، صاحب عزت است و هر عزیز دیگری در برابر او ذلیل است، و همه موجودات فقیر و در نفس خویش ذلیل اند و مالک هیچ چیزی نیستند ... پس عزت حقیقی را از رب العزه، با سلوک بندگی طلب کند» (دلشاد تهرانی، پیشین، ص ۳۸۵). اصل عزت طلبی چون دژی محکم، انسان را از وسوسه ها حفظ می کند و از تبا همیها دور می گرداند؛ چرا که انسان به عزت رسیده زیر بار هیچ عامل خفیف کننده، صلابت و ارزش انسانی نمی رود و تنها مطیع امر الهی می باشد.

۲. مبنای تأثیرپذیری انسان از شرایط

تمام انسان ها در معرض حالات، احساسات، افکار و حوادث زمان و مکان قرار دارند. نه تنها شرایط زمان و مکان، بلکه اعمال و رفتارهای انسان ها و ملل مختلف نیز بر رفتارهای ما مؤثر هستند، که این تأثیرگذاری جهانی و ملت ها بر انسان را شرایط اجتماعی می نامیم. بسته به این که انسان در چه زمان و مکانی و تحت چه شرایط اجتماعی و در ارتباط با چه کسی باشد، روند زندگی و تربیت او متفاوت می شود. اینکه انسان در جنگ است یا صلح، یا در مکان مقدس یا پلید و یا در ارتباط با انسان گناهکار و یا مؤمن و یا جامعه و شرایط سالم و یا ناسالم، از هر کدام تأثیرپذیری متفاوتی خواهد داشت. براساس این مبنا، بر نظام تربیتی است تا با مراقبت ها یا گزینشها و یا حذفیاتی از این حوادث، نوع تأثیرگذاری آنها را تغییر داده و یا کنترل کند. حضرت علی (ع) تغییر و تحول روزگار و تأثیرات آن بر جسم و روح انسانی را طی بیاناتی خطاب به فرزندش این گونه بیان می فرماید: «هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی، رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش های اخلاقی را برای تو برشمردم ... پیش از اینکه خواهشها یا دگرگونی های دنیا به تو هجوم آوردند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد» (همان، نامه ۳۱، ص ۳۷۲).

نکات قابل برداشت از این بیان حضرت علی (ع) عبارتند از: توجه به گذر عمر و تأثیر شرایط روزگار بر جسم و جان انسان، جلوگیری از تأثیرات نامطلوب زمان و مکان، وقایع متفاوت و این نکته که تربیت دینی و عقیدتی، بایستی خیلی زود و قبل از اینکه فکر و حواس انسان به امور انحرافی و دل مشغولیهای باطل دنیا معطوف شود، صورت بپذیرد. حضرت در سخنی، تأثیر دنیا بر انسان را چنین بیان می فرماید: «دنیا بدنها را فرسوده و آرزوها را تازه می کند، مرگ را نزدیک و خواسته ها را دور و دراز میکند، کسی که به آن دست یافت خسته می شود، و آن که به دنیا نرسید رنج می برد» (همان، حکمت ۷۲، ص ۴۵۴). این حکمت نیز نشان می دهد که عملکردها و آرزوهای انسانها متأثر از شرایط متفاوتی می باشد که از نتایج مهم و عمیق آن، فرسودگی انسانها و گسترش آرزوهای او و رنج و محنت برای طالبان دنیا میباشد. حضرت در سخنی تأثیر دنیا بر انسان را چنین بیان می فرماید: «در دگرگونی روزگار ۲ گوهر شخصیت انسان شناخته می شود» (همان، حکمت ۲۱۷، ص ۴۸۰). طبق این سخن، انسان از شرایط روزگاران تأثیرات متفاوتی می پذیرد که این تأثیرپذیری، شخصیت انسان را شکل می دهد؛ لذا هر نظام تربیتی با مراقبت و کنترل



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

خاص شرایط می تواند بر چگونگی تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی انسان ها مؤثر باشد. از مجموع سخنان فوق معلوم می گردد که نظام تربیت اجتماعی بایستی مجدانه تلاش کند عوامل اثرگذار بر انسان و زندگی او را شناسایی و آن عوامل را به نفع توسعه و تعالی زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تغییر داده و یا تعدیل نماید.

اصل اصلاح شرایط و روابط انسانی

در مبنای تأثیرپذیری انسان از شرایط، بیان شد که انسان از شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی و انسانی، تأثیر می پذیرد. اصل اصلاح شرایط، بیانگر این نکته است که برای ایجاد برخی آداب، عادات و رفتارهای مطلوب در انسان و حتی برای حذف برخی عادات، رفتارها و افکار نادرست، بایستی به دستکاری شرایط و اصلاح شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی پرداخت. این تغییر دهنده، می تواند وضع مطلوب و دلخواه ما را در متریبان ایجاد کند. نکته‌های که به تجربه رسیده این است که اگر فرد یا گروهی شرایط مکانی، زمانی و یا اجتماعی را اصلاح کنند، ثمرات مثبت آن را برای خود و دیگران مشاهده خواهند نمود. البته اصلاح شرایط اجتماعی، بیشتر منظور نظر بحث تربیت اجتماعی می باشد. در بررسی سخنان حضرت علی (ع) متوجه این حقیقت می شویم که ایشان بیشتر روی اصلاح شرایط و عوامل اجتماعی تأکید دارند. به عنوان نمونه، حضرت علی (ع) می فرماید: «خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دن یا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم» (همان، خطبه ۱۳۱، ص ۱۷۴). از این سخن فهمیده میشود که فلسفه تشکیل حکومت الهی - اسلامی، ایجاد شرایط جدید و اصلاح شرایط موجود می باشد و این امر برعهده رهبری مسلمان و لایق است و در صورت تحقق چنین امری، بزرگترین تحول اجتماعی و تربیتی حاصل خواهد شد و در سایه حمایت آن حکومت تمامی قوانین و حدود الهی و اسلامی اجرا خواهد شد و افراد جامعه به چنان تربیتی خواهند رسید که خود، عامل به حقوق، قوانین و مقررات دینی، سیاسی و اجتماعی خواهند بود پس نظام تربیت اجتماعی، بایستی تمام عوامل مهم دخیل در سرنوشت و آینده انسان ها و جوامع را شناسایی نموده و آنها را معرفی نماید و افراد را به گونه ای تربیت کند که تأثیرپذیری آنها از شرایط با ضرر توأم نباشد بلکه به گونه ای عمل کنند که هرگاه لازم شد شرایط را اصلاح نمایند و تأثیرپذیری مثبت و مناسبی از شرایط حاصل کنند. یک مهم از اصل اصلاح شرایط، مربوط به روابط انسانی می شود به این معنی که با اصلاح روابط انسان ها با هم و اصلاح رفتارها و کردارها افراد جامعه در مقابل همدیگر، میتوانیم نوع تأثیرگذاری و تأثیرپذیری انسانها را دگرگون کرده و جهت دهیم؛ مثلاً اصلاح، کنترل و جهت دهی رفتارها و روابط دوستان و همسالان و همکاران در یک جامعه میتواند افراد جامعه را به تربیت اجتماعی مناسب و منطبق بر آرمانها و اهداف موجود برساند. بنابراین وظیفه نظام تربیت اجتماعی، آموزش چگونگی ایجاد و انجام اصلاحات و اقدامات تربیتی، در راستای اهداف تعریف شده آن نظام تربیتی به افراد جامعه می باشد تا افراد بتوانند نوع و میزان تأثیرپذیری خود از شرایط موجود زندگی را کنترل نمایند.

یکی از مواضع حساس تربیتی سن نوجوانی است که در این سن افراد به گزینش دوست اقدام نموده و تأثیرات زیادی از جمع دوستان خود می گیرند. «در دوره نوجوانی تأثیرپذیری دوستان از هم زیاد است و این وفق یافتن جوانان با همدیگر، اگر در راستای اهداف تربیتی نباشد، نوجوانان را دچار انحراف می کند» (مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۵). نظام تربیتی بایستی زیرکانه، دقیق و با دید مثبت و هدفمند، مراقب نوع رفتارهای متریبان باشد و عوامل و شرایط موجود در محیط تربیتی و جامعه را تا حد امکان اصلاح نماید. حضرت علی (ع) در مورد اصلاح رابطه با دیگران و حفظ و برقراری رابطه مجدد با کسانی که قطع رابطه کرده اند، چنین توصیه می فرماید: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن و چون بخل ورزید تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می گزیند، تو نزدیک شو و چون سخت میگیرد تو آسان بگیر» (همان، نامه ۳۱، ص ۳۸۰). این سخن حضرت صراحتاً به اصلاح روابط بینفر دی اشاره دارد. البته مصداق سخن حضرت تا جایی است که برقراری و حفظ رابطه با دوست یا سایر مردم به ضرر انسان نباشد. حضرت در سخنی دیگر خطاب به کارگزاران حکومتی، برای جلوگیری از خلط شدن حق و باطل سفارش می فرماید که کارگزاران حکومتی رابطه شان را با مردم بهگونهای قرار دهند که کاملاً از وضعیت مردم آگاه بوده و توقعات مردم را بشناسند و با این کار عملاً تربیتی را بر جامعه اعمال کنند که مردم را به خود و حکومت وفادار نگه دارند و مسئول و وظیفه شناس به بار آورند. حضرت می فرماید: «هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران از مردم، نمونه ای از تنگ خویی و کماطلاعاتی در امور جامعه می باشد. پنهان شدن زمامداران، از دانستن آنچه بر آنها پوشیده است بازمی دارد» (همان، نامه ۵۳، ص ۴۱۶). حضرت علی (ع) در سخنی دیگر، دستورهایی جهت بهبود روابط بین حاکم و رعیت ارائه م ی دهد که نتیجه آن موفقیت حکومت ایشان در کارهایش و رضایت مردم از حکومت است. ایشان می فرماید: «از رعیت، آنان را که عیبجوتر هستند، از خود دور کن، زیرا که مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مباد آنچه که بر تو پنهان است آشکارگردانی... بخیل را در مشورت کردن دخالت نده،



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

که تورا از نیکوکاری بازمی دارد و از تنگدستی می ترساند، ترسو را در مشورت کردن دخالت نده که در انجام کارها روحیه تورا سست می کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد... تا می توانی با بهره یز کارانوراستگوبان ببیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند ... ای مالک! بدان مردم از گروه های گوناگون می باشند که اصلاح هر یک از آنها جز با اصلاح دیگری ممکن نیست» (همان، نامه ۵۳، ص ۴۰۴).

از مجموع توصیه های حضرت در این نامه معلوم می شود که اصلاح روابط انسانی و اجتماعی، گاه با قطع رابطه با برخی از انسانها و گاه با ایجاد رابطه با آنها ممکن می شود. همینطور از سخنان حضرت متوجه میشویم که نوع رابطه تربیتی و اجتماعی رهبر با مردم، میتواند به صمیمیت و پشتیبانی مردم نسبت به رهبر منجر شود. پس بر نظام تربی تی جامعه است که با ایجاد، اصلاح و تحکیم روابط سالم انسانی و اجتماعی میان همه انسانها از جمله مردم و حکومت، به رسالت مهم انسان سازی خود جامه عمل بپوشد.

۳. مبنای حسن

حسن در لغت به معنی زیبایی و نیکویی و ضد زشتی به کار می رود (خلیل جر، ۱۳۷۵، ص ۸۳۷). در واقع همه اموری که ناشی از عشق و گرایش به کمال در انسان ها می باشد، در فطرت انسانی نهاده شده است که همه این امور زمینه های رساندن انسان ها به کمال مطلق الهی را فراهم می سازد. خیرخواهی و زیباگرایی انسان و دوری او از زشتی ها و پلیدی ها که در قالب وجدان اخلاقی شناخته می شود، یکی از فطریاتی است که خداوند در نهاد همه انسان ها قرار داده است. این قوه، انسان ها را دعوت به خیر و نهی از بدی ها می کند. «انسان به فطرت خود گرایش به خیر اخلاقی دارد؛ یعنی گرایش به اموری که فراتر از سودجویی و زیان گریزی است، بلکه تمایل ذاتی به فضیلت ها و کرامت ها دارد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۹۱). پس اسلام وجدان اخلاقی را نیروی باطنی می داند که انسان را متمایل به نیکویی ها و زیبایی ها می کند. گرچه نمی توانیم اثر محیط، وراثت و تربیت را در تشکیل شخصیت انسان انکار کنیم، اما این نکته هم روشن است که خداوند بی نقص و کامل، انسان را دارای توان گرایش به خیرات و خوبی ها قرار داده است و این نیرو را تأثیرگذار و بعضاً قوی تر از عواملی چون وراثت و محیط قرار داده است. اراده انسان است که وی را متمایل به انجام خیرات و یا شرور می گرداند «انسان توان همه گونه شدن را دارد ولی چگونه شدنش به خواست و تربیت اوست» (همان، ۱۳۷۹، ص ۵۲). حضرت علی (ع) ضمن توضیح جریان خلقت انسان، علت سجده فرشتگان بر آدم را گردن نهادن به فرمان خدا و خشوع در برابر کرامت و ارزش وجودی انسان بیان میفرماید. این مطلب بیانگر وجود کرامت و خلقت خاص و ویژه انسان است، خلقتی که دارای فطریاتی نیک چون خیرخواهی و زیبایی خواهی میباشد. حضرت می فرماید: «سپس از فرشتگان خواست آنچه که بر عهده دارند انجام دهند و عهده را که پذیرفته اند ان جام دهند، این گونه به خاطر کرامت و ارزش مقام انسان بر آدم سجده کنند» (نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۲۲).

در روایتی از امام صادق (ع) نقل است که ایشان در تفسیر آیه و - هدیناه النّجّدين - فرموده اند: «منظور خیر و شری است که خداوند در ذات انسان به ودیعه نهاده است» (فلسفی، ۱۳۶۲، ص ۳۲۲). یعنی انسان دارای ویژگی حسن، نیکویی و بدی می باشد، اما در واقع این خود انسان است که از این زمینها به دلخواه استفاده نموده و به خوب و یا بد متمایل می شود.

نظام تربیتی می تواند از ویژگی گرایش انسانها به سمت خوبی و نیکویی بهره گرفته و درجهت تزیین و آراستن اهداف، مسائل و مواد آموزشی بهترین بهره را ببرد و انسانها را هرچه بیشتر به سمت اهداف و مسائل مورد نظر آموزشی بکشاند. آنچه که جزء نقش ها، وظایف و روابط میان افراد جامعه است می تواند در شکلی زیبا و جذاب ارائه شود، تا طبیعت زیباپسند انسان هر چه بیشتر به آن متمایل شده و برای عمل به آن اقدام کند. شکی نیست که اگر نیکویی و زیبا پسندی انسان بجا و مناسب تحریک، تشویق و جهت دهی شود؛ انسان خود را متعهد به انجام خیرات و حسنات می داند و تلاش میکند بدین واسطه بر کمالات و تعالی خود بیافزاید. حضرت علی (ع) انجام نیکویی ها را چون دین و تکلیفی میدانند که انسان صاحب کرامت و شریف در پی ادای آن می باشد. ایشان این گونه می فرماید: «در نظر انسان شریف و کریم النفس، نیکوکاری و حسن عمل دینی است که بر ذمه اوست.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

اصل آراستگی

اصل آراستگی مبین این امر است که در جریان تربیت، باید صورت هر آنچه که عرضه می شود را نیک آراست، تا رغبت ها در مرتبه برانگیخته شود. البته در اصل آراستگی، میتوان از دو نوع آراستگی از بعد روانی - درونی، و از بعد واقعیت خارجی موضوع تربیت بحث نمود. منظور از آراستگی باطنی همان آراستگی زیورهای در نیت و باطن هر عمل است که شخص در درون خود، قصد انجام کاری می کند.

بایستی طبق این اصل مرتبه به گونه ای تربیت شده باشد که قصد و نیت باطنی اش را صاف، پاک و الهی گرداند. چراکه اگر نیت و قصد ناپسند و خلافی داشته باشد، آنگاه در ظاهر عمل او نیز مؤثر می افتد و آراستگی های ظاهری تأثیر جدی در او نمی گذارد. حضرت علی (ع) در بیان تأثیر زیبایی و آراستگی درون بر آراستگی بیرون و بالعکس چنین می فرماید: «و بدان که هر ظاهری باطن مناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید، باطن آن هم پلید است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، ص ۲۰۲).

مسلماً آراستگی های درونی و بیرونی هر کدام تأثیرات جدی در امر تربیت بر جای میگذارد و لذا آراستن مطالب، مواد و محیط آموزشی به همراه آراستگی های باطنی در افراد لازم و ضروری می باشد تا بدین واسطه به حداکثر نتایج تربیتی دست یابیم. امر آراستگی به امور باطنی و ظاهری به قدری مهم است که حضرت علی (ع) در خطبه ۱۹۳ داشتن آن را از شروط و ویژگی های پرهیزگاران می داند. ایشان به ویژگی هایی چون دینداری، نرم خویی، ایمان، در دانش حریص بودن، میانه روی در توانگری، به دنبال کسب حلال بودن و... اشاره می فرماید. در بحث تربیت اجتماعی، تأکید زیادی روی آراستگی ظاهری مسائل و مطالب تربیتی و آموزشی شده است. «آراستگی ظاهری یک عمل که بیشتر منظور نظر این اصل میباشد، یعنی این که روابط میان مربی و مرتبه و آنچه در این ارتباط عرضه می شود، باید با وضعیتی زیبا و آراسته ارائه گردد» (باقری، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷).

حضرت علی (ع) راجع به آراستن شخصیت به ظاهری چنین می فرماید: «دانش، میراثی گرانبه است و آداب زیورهای همیشه تازه، و اندیشه آینه ای شفاف است» (نهج البلاغه، حکمت ۵، ص ۴۴۴). بر همین اساس باید تا حد امکان آراستگی هایی که در تعلیم و تربیت مؤثرند را، هم در مریبان و هم مرتببیا ایجاد نمود. این مهم در کلام امام علی (ع) از وظایف حکومت و متصدیان امر تربیت دانسته شده است، چنان که حضرت آراستن مردم به زیور علم و ادب را از اقدامات خود بیان می نماید: «ای مردم! من پند و اندرزهایی که پیامبران در میان امت خود داشتند، در میان شما نشر دادم و وظایفی که جانشینان پیامبران گذشتهدر میان امت خود به انجام رساندند، تحقق بخشیدم و با تازیانه شما را ادب کردم...» (همان، خطبه ۱۸۲، ص ۲۴۸).

تربیت اجتماعی موفق و همه جانبه گر، سعی می کند به گونه ای شرایط را مهیا سازد که مرتببیا، هم در ظاهر و هم در باطن خویش به یک آراستگی شایسته و مناسب شخصیت کریمانه انسانی دست یابند و در سایه همین آراستگی، افراد به بهترین وجه ممکن سعی خواهند نمود آراستگی ظاهر و باطن خود و سایر افراد را حفظ کنند و به گونه ای به وظایف خویش عمل نمایند که هیچ لطمه ای به شخصیت ظاهری و باطنی انسان ها نخورده و کرامت و عزت همگی حفظ و متعالی تر شود و این یک هدف مهم تربیت اجتماعی است.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش گردید تا به تبیین و بررسی اصول تربیت اجتماعی موجود در نهج البلاغه حضرت علی(ع) پرداخته شود. نتایجی که از تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه حاصل شد به شرح زیر می باشد. از تحقق فوق مبنای کرامت و تأثیرگذاری بر شرایط و تأثیرپذیری از شرایط و مبنای حسن مورد بررسی قرار گرفت. مبنای کرامت اشاره به ویژگی شرافت و بزرگی خلقت انسان دارد؛ لذا به کمک اصل عزت - یعنی توانمند نمودن انسان در حفظ کرامت و ارزش انسانی خودش - شرافت انسانی را حفظ می کنیم. مبنای تأثیرپذیری انسان بیانگر این امر است که انسان در معرض افکار، حالات و حوادث مکان و زمان قرار دارد، لذا برای کنترل تأثیرات این عوامل به اصلاح شرایط طبیعت و روابط انسانی می پردازیم تا بتوانیم تربیت مناسب و دلخواه را بر انسان اجرا کنیم. مبنای تأثیرگذاری انسان، اشاره به ویژگی تأثیرگذاری انسان، اشاره به ویژگی تأثیرگذاری و تحول آفرینی انسان در اجتماع و عالم دنیا دارد؛ لذا طبق اصل مسئولیت پذیری، انسان را متوجه و متمایل به نوع و میزان تأثیرگذاری های مثبت و مناسب بر دنیا و انسان ها می کنیم. براساس مبانی و اصول مذکور میتوان به تربیت اجتماعی مناسب و مورد نظر مکتب اسلام یافت.

یافته های تحقیق درباب اصول تربیت اجتماعی نشان می دهد، اصول تربیت اجتماعی، بیانگر روابط موجود بین پدیده هایی هستند که ما را در اجرای تربیت اجتماعی کمک نموده و این اصول براساس پیروی از حق تعالی پیریزی شده است و ربطی به معیارهای وضعیت جوامع ندارد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی. چاپ شانزدهم، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۳. باقری، خسرو (۱۳۷۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات مدرسه.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). کرامت در قرآن، قم: مرکز فرهنگی رجاء.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۱). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد ۲، ۱ و ۳، تهران: انتشارات زیتون.
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). ماه مهرپرور، چاپ اول، تهران: شن: رخانه اندیشه جوان.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹). منظر مهر، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. شکوهی، غلام حسین (۱۳۶۸). تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ هفتم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. شکوهی، غلام حسین (۱۳۸۰). مبانی و اصول آموزش و پرورش، چاپ دوازدهم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه حجتی کرمانی، تهران: انتشارات بعثت.
۱۱. عبدوس محمدتقی و اشتهاوردی محمد مهدی (۱۳۷۵). بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان، چاپ ششم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. عسکریان، مصطفی (۱۳۶۸). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات توس. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۸). جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ سی و دوم، تهران: نشر روان.
۱۳. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چاپ سی و دوم، تهران: نشر روان.
۱۴. فرهادیان، رضا (۱۳۷۲). اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید.
۱۵. فلسفی، محمدتقی (۱۳۶۲). گفتار فلسفی کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ دوازدهم، بخش اول، هیئت نشر معارف اسلامی.